

کارگر تبعیدی

ارمان

جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران

شماره ۲

شهریور و مهر ۶۷

قیمت ۲ مارک

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم!

نگاهی به برخی جوانب فعالیت ما

دوستان کارگران و همه کسانی که حاضرند برای کارگران ایران قدم بردارند، روشن کنیم تا بتوانیم هرچه وسیعتر و بهتر کارمان را آغاز کنیم، و در درجه دوم در بین کارگران، تشکلهای دمکراتیک و احزاب و غیر ایرانی اهداف جنبش را تبلیغ کنیم و پیش ببریم. بهمین دلیل ابتدا چاپ و پخش نشریه فارسی را تدارک دیدیم. بقیه در صفحه ۲

ابهاماتی وجود دارد و چنین برمیآید که پاسخ به چند سؤال این زوایا را روشن تر میسازد؛ زیرا ما در نظر داریم قبل از هر چیز قصد و غرض خود را از تشکیل چنین تشکلی برای فعالین کارگری و کارگران ایرانی در خارج شوروی برای

اگرچه بسیاری از جوانب مضمون فعالیت و اهداف جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران در پلاتفرم، اعلامیه ها و نخستین شماره "کارگر تبعیدی" منعکس گردیده، با اینهمه گویا در زمینه هائی برای خوانندگان

طرح پیشنهادی منشور و اساسنامه

جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران

نام: جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران
نوع تشکیلی: جنبش تشکلی است کارگری و مستقل که برای دستیابی به اهدافش به فعالیت سیاسی در خارج از کشور میپردازد.

مشور
هویت اعتقادی و کلی شکل عبارتست از:

- ۱- تشکیلی به آشتی ناپذیری صف کارگران و سرمایه داران معتقد است
 - ۲- تشکیلی برای اعضای خود هیچ قید و شرطی بجز کارگری بودن قائل نبوده و از تشکیلی یابی هرچه وسیعتر و یکپارچه کارگران استقبال مینماید
- بقیه در صفحه ۸

با نظرات خوانندگان آشنا شویم:

نامه ای از یک کارگر

نوضیح:

نامه ای که در اینجا میخوانید توسط یکی از رفقای کارگری برای هیئت مؤسس جنبش دفاع از حقوق سندیکائی فرستاده شده است. از آنجا که هیئت مؤسس جنبش نقطه نظرات و ایده های اولیه را برای گردآوری کارگران و شکل گیری این تشکیلی ارائه داده است و از آنجا که پس از طی مراحل مقدماتی و بنا کرد همنانی کلیه اعضا تشکیلی، منشور

بقیه در صفحه ۴

حساب کارگری!

در باره کارگران آلمان غربی:

چند خاطره و نظر

ارتش بیکاران در آلمان

از این سموم که بر پوستان بگذشت...

مروری بر مبارزات کارگران در سال ۵۷

از مبارزات سندیکائی کارگران کشورها بیاموزیم

لیست اسامی شهدای کارگر

خبرهای کارگری

درباره کار و زندگی

کارگران کارگاههای کوچک

زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!

نگاهی به برخی جوانب فعالیت ما

دنباله از صفحه اول البته تعداد کارگران ایرانی در خارج کشور محدود است (که این خود بلحاظ سیاسی قابل تعمق است) و باتنها این افراد و بدون کمک دوستان دیگر نخواهیم توانست بخوبی وظایف و اهداف جنبش را پیش ببریم. خوشبختانه، تقریباً از همه کسانی که یاری خواسته ایم - بخصوص فعالین کارگری - با ما همکاری کرده اند، چراکه تشریح وظایف و اهداف این جنبش برای آنان و نیز دریافت و پذیرش این اهداف و وظایف از سوی آنها منطقی دربر نداشته، اما برای دوستان دیگر، کارمادارای ابهاماتی است - دوستانی که اصولاً مسائل کارگری، بویژه در شرایط فعلی، مطالبات و مبارزات کارگری و سپس دفاع از این خواستها در خارج کشور، برایشان نیاز به توضیحات بیشتری دارد. ما نیز تلاش خواهیم کرد تا هرچه بیشتر جوانب و زوایای فعالیت خود را توضیح دهیم، با اینهمه تصور نمی‌کنیم و نیز قصد آن را نداریم که بخواهیم حتماً برخی از دوستانی را که بهررو برای عدم فعالیت خود در خارج کشور و درنگداشتن خود از مسائل مبارزاتی توجیهاتی فراهم آورده اند، قانع کنیم.

مواردی که نیاز به پاسخ دارد محورهای زیر را دربر می‌گیرد:

۱- آیا در نظر داریم در خارج شور برای کارگران ایران مبارزه اقتصادی کنیم (و یا میخواهیم یک سندینای کارگری در اینجا تشکیل دهیم)؟

۲- آیا میخواهیم در خارج کشور در زیر لافه "جنبش" یک شکل سیاسی به وجود آوریم تا از طریق

"شترل از راه دور" مبارزات کارگران ایران را "هدایت" کنیم؟

۳- هویت سیاسی ما چیست؟

در مورد سؤال اول باید

بنویسیم: نه! ایجاد سندیکایی

اتحادیه در بین کارگران در درون

خانه های صنوف و در مقابل

سرمایه داران و کارفرمایان زمینه

تشکیل دارد، که کارگران از طریق

آن خواهند توانست مطالبات صنفی

خود را متحداً بدست آورند، در حالیکه

در خارج کشور اینطور نیست. اما اینک

ما میخواهیم برای کارگران ایران مبارزه

اقتصادی کنیم، باید بگوئیم که ما از

مبارزات اقتصادی کارگران ایران

حمایت، پشتیبانی و دفاع می‌کنیم.

یعنی اینکه وقتی کارگران کشور ما

در درون کشور و در درون کارخانه

مبارزه اقتصادی میکنند، ما خود را

موظف میدانیم از آنها پشتیبانی کنیم و

از کارگران جهان و تشکلهای آنها

خواهیم خواست تا از کارگران

ایران حمایت کنند. در حال حاضر

کارگران ایران در حال مبارزه

اقتصادی هم هستند، اما سرکوب

میشوند. ما از کارگران ایران

در مقابل سرکوب دشمنانشان دفاع

میکیم و از جهان خارج نیز میخواهیم

که از آنها دفاع کنند. در اینجا تذکر

این نکته نیز ضروری بنظر میرسد:

"حقوق سندیکایی" با خود

"سندیکا" تفاوت دارد. اصطلاح

"حقوق سندیکایی" در بین کارگران

ایران و سراسر جهان معنی خاص خود

را دارد. حقوق سندیکایی به مجموعه

حقوق اقتصادی - اجتماعی کارگران

اطلاق میشود: یعنی داشتن حق

تشکیل مستقل برای کارگران، داشتن

حق اعتراض، داشتن حق مبارزه

اقتصادی و ... برای کارگران.

از اینرو قصد ما نه ایجاد سندیکایی بلکه ایجاد جنبشی که از این خواسته‌های سندیکایی، که کارگران ایران از آن محرومند دفاع کرده و عنایت - محرومیت را به گوش جهانیان برسانیم و از حداکثر امکانات برای افزایش رژیم و کمک به کارگران استفاده کنیم. اما مطالبات صنفی کارگران ایران در شرایط فعلی پارسیایی دارد، و این خود از ویژگیهای مبارزه در شرایط کنونی ایران است. یعنی کارگر ایرانی در مبارزه صنفی خود، که رودر روی کارفرمایان و سرمایه داران به پیش می‌برد (و قدرت سیاسی را مدنظر ندارد)، اما همین مبارزه صنفی در عمل مضمون سیاسی دارد، زیرا در شرایط ویژه ایران - که یت حکومت ضد کارگری و مذهبی قدرت را در دست دارد - بد لایلی نمیتواند خواسته‌های کارگران را برآورده سازد و خواسته‌های کارگران بنیادهای حکومتی را زیر سؤال می‌برد و با چارچوب رژیم جمهوری اسلامی تعارض پیدا می‌کند. به همین خاطر اغلب خواسته‌های صنفی کارگران پارسیایی دارند و در چارچوب اقتصادی خود محصور نمی‌مانند. از اینرو حمایت ما از حقوق سندیکایی کارگران نمیتواند از هرگونه رنگ و آب سیاسی مبرا باشد. وقتی که مبارزات کارگران ایران یا بخاطر خواسته‌های صنفی و اقتصادی، پارسیایی پیدا میکند و یا هنگامیکه بخشی از این مبارزات مستقیماً از خواسته‌ها و مضمون سیاسی برخوردار است، جنبش ما نمیتواند و نباید نسبت به این مبارزات سیاسی بی تفاوت مانده و از مبارزات واقعی کارگران عقب بماند. بنابراین مبارزه کارگران کشور ما مبارزه‌ای صنفی - دمکراتیک - سیاسی است، و ما مدافع چنین حقوقی برای آنان هستیم.

درج نعامت و از همه کسانی که کارگران شهیدی را می شناخته اند کشته اسامی شان در این لیست نیامده، انتظار داریم اسامی آنها و تاریخ، محل و چگونگی شهادت و در صورت امکان زندگینامه آنها را برای ما ارسال کنند تا بتوانیم لیست کاملتری از این شهدا را شناخته و در فرصت مناسب بولتن کامل آنرا به چاپ برسانیم. قبلا از همکاریتان سپاسگزاریم.

اسامی بیش از ۵۰۰ نفر از جانب‌باختگان کارگرا، که از سال ۶۰ تا ۶۳ شهادت رسیده اند، تهیه کنیم. امایی شک تعداد شهدای کارگر در همین مدت بیش از این رقم بوده، و از سال ۶۳ به اینسو نیز تنها تعداد کمی از این شهدا را شناخته ایم. اینک در نظر داریم لیست اسامی شهدای کارگر را به ترتیب الفبا در این نشریه

تذکره رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی در مدت حکومت ضد انقلابی خود دهها هزار کارگر و انقلابی دیگر را اعدام و ترور کرده و با در زیر شکنجه بشهادت رسانده است، کما کثرتان برای مردم ایسران ناشناخته مانده و تنها اسامی بخشی از آنها در لیست شهدای انقلاب ایران آمده است. ما توانسته ایم

لیست اسامی شهدای کارگر

درد و روان حکومت جمهوری اسلامی

شماره	نام خانوادگی	نام	نحوه شهادت	تاریخ شهادت	محل شهادت
۷۷	باقری اسکویی	جواد	تیرباران	پائیز ۶۰	زستان
۷۸	باقری تیروانی	اسد	"	بهار ۶۲	زستان
۷۹	بالو	محمد علی	"	تابستان ۶۱	"
۸۰	بحرینی	احمد	"	تابستان ۶۰	"
۸۱	بخشکی شهبازی	روح‌الله	"	تابستان ۶۰	تابستان ۶۰
۸۲	بخشی	فریدون	"	پائیز ۶۰	"
۸۳	بدیعی	مجید	"	پائیز ۶۰	"
۸۴	براتی	مهدی	"	پائیز ۶۰	"
۸۵	براتی باقرآباد	مرتضی	"	پائیز ۶۰	"
۸۶	برومند	غلامرضا	حلق آویز	زستان ۶۰	"
۸۷	برومندزاده	نوروز علی	تیر طوان	بهار ۶۲	"
۸۸	بزرگی	جلال	درگیری مسلحانه	تابستان ۶۰	"
۸۹	بسیری	حسن	تیرباران	پائیز ۶۱	"
۹۰	بلوری	رحیم	درگیری مسلحانه	پائیز ۶۰	"
۹۱	بنوری	نعمت‌الله	"	تابستان ۶۰	"
۹۲	بنابیدی مقدم	مجید	"	پائیز ۶۱	"
۹۳	بوربور	علی	تیرباران	۶۰	"
۹۴	بوعلی	قاسم	"	تابستان ۶۰	"
۹۵	بهبودی	یوسف	ترور توسط عوامل رژیم	"	"
۹۶	بهرامی	بیزن	تیرباران	زستان ۶۰	"
۹۷	بهرامی سعادت	ابراهیم	حلق آویز	پائیز ۶۱	"
۹۸	بهریزی	احمد	درگیری مسلحانه	بهار ۶۲	"
۹۹	بیابانی	عباس	تیرباران	پائیز ۶۰	"
۱۰۰	بیات	رضا	درگیری مسلحانه	پائیز ۶۰	"
۱۰۱	بیدبری	بهرام	تیرباران	زستان ۶۰	"
۱۰۲	بیدی	محمد رضا	حلق آویز	تابستان ۶۰	"
۱۰۳	پاشایی	علی اکبر	تیرباران	زستان ۶۰	"
۱۰۴	پاکدل	رضا	"	۶۰	"
۱۰۵	پر مور	احمد	"	بهار ۶۱	"
۱۰۶	پرندآور	جمال	"	پائیز ۶۰	"
۱۰۷	پروانه	ابوالقاسم	"	پائیز ۶۰	"
۱۰۸	پناهی	جعفر	انتحار	تابستان ۶۲	"
۱۰۹	پوراشرفی	عباس	درگیری مسلحانه	تابستان ۶۱	"
۱۱۰	پورتقی	رضا	تیرباران	"	"

ادامه دارد

با نظرات خوانندگان آشنا شویم

از هلند

نامه‌ای از يك كارگر

ضد کارگری رژیم را افشا نمائیم • بهتر بود مثلا اسم تشکل را هم می‌گذاشتید "انجمن منعکس کننده وضع کارگران ایران برای جلب حمایت و همبستگی کارگران جهان از مبارزات آنان" و یا "تشکل کارگران تبعیدی ایران" و یا "جنبش دفاع از حقوق دمکراتیک ایران در خارج کشور" و غیره •

دوم اینکه آیا مبارزه برای دفاع از حق سندیکاداران شرایط حاکمیت پلیسی سرمایه با حریه ای عقب مانده قرون وسطی و سرکوب وحشیانه هرگونه تشکل صنفی و دمکراتیک کاری فایده و غیر دست یافتنی نیست؟ مابایک حکومت بورژوازی طرفیم که حتی برای توده‌ها حقوق بورژوازی تشکلات صنفی، حل مسئله ملی، حل مسئله ارضی و هنر - معاش حقوقی دمکراتیک دیکر قائل نیست و حیات او به سرکوب خشن هنر - معاش خواست مردم بسته است. در کشور - های با حاکمیت نظامی و فاشیستی سرمایه داری نظیر مثلا آفریقای جنوبی اسرائیل - پاکستان - شیلی -

ترکیه میتوان این انتظار را داشت و تاحدودی علیرغم حکومت نظامی و تسلط فاشیسم این مسائل رعایت میشود ولی در ایران که وضع اینظوری نیست حتی لباس هم باید جور خاصی پوشید و یامو و ناخن نیز محدود و دند حال سندیکاسا، اتحادیه، فعالیت آزاد و غیره که جای خود دارد محفلهای منفی کارگری شاید - جنبه منفی، هسته‌های چند نفری ممکن است •

سوم اینکه در نامه سرگشاده جابه جاز فعالین کارگری در کنسار

باشید و بتوانید جای خود را در صرف اردوی کار و جنبش کارگری جهانی بیابید و در مجامع کارگران جهان اتحادیه‌ها و سندیکاهای انقلابی و دمکراتیک (سرخ) حضور یابید رسانید و واقعا بازگو کننده و انعکاس دهنده وضع برادران تنی خود در میهن سرمایه زده مابرای برادران جهانی شان باشید • چون تا به حال در این مجامع به جز در سالها ۲۰ تا ۳۰ نماینده کارگران حضور نیافته اند مگر در کان های حزب توده که متاسفانه به عنوان مختلف و به دلایلی توانسته جای نمایندگی واقعی توده های کارگرم را غصب کند و فقط و فقط در جهت سیاستهای ضد کارگری خود از آن بهره برداری کنند • با این مقدمه و استقبال از کارگر به موقع و درستتان چند نکته بنظرم رسید که تذکر دهم و با خواندن اساسنامه و آشنائی بیشتر اخیانان با تقاضای همکاری و یا عضویت بنمایم (البته با توضیحی که از وضع خودم خواهم داد اگر بتوانم عضو شوم).

یکی اینکه بنظرم اسمی که انتخاب کرده اید جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران (جداحسکا) با هدفهای برشمرده در نامه سرگشاده نمیتواند • دفاع از حق داشتن تشکل مستقل و صنفی کارگران مثلا سندیکا - اتحادیه - انجمن و غیره در نامه سرگشاده نیامده است • فقط آمده است که ما همبستگی کارگران جهان را نسبت به کارگران ایران برانگیزانیم و وضع کارگران را برای آنها توضیح دهیم و از مبارزات کارگران دفاع کنیم و عملکرد

دنباله از صفحه اول

اساسنامه، ضوابط و راستای فعالیت آن، صوبه مجمع عمومی، و هیئت مدیره آتی نیز منتخب همان مجمع عمومی خواهد بود، از اینرو هیئت مؤسس خود را موظف میداند که تا قطع مجمع عمومی پیشنهادات و نقطه نظرات اعضا و دستمندان این تشکل را به گوش همه برساند تا موافقین و مخالفین هر نظر بتوانند از طریق صفحات این نشریه با نظرات یکدیگر آشنائی یافته و با هم برخورد نمایند • بدینوسیله است که نظرات و ایده های درست میتواند در بین همه اعضای تشکل حقانیت یافته، به صوبه مجمع عمومی تبدیل شده و باعث اصلاح حرکت و اصولیست هرچه بیشتر تشکل گردد • مادراین شماره عین نامه رفیقان را درج کرده و منتظر نقطه نظرات موافق و مخالف آن و همچنین نظرات و پیشنهادات مختلف در زمینه های گوناگون برای درج در شماره های آتی می‌انیم • نکته قابل ذکر دیگر اینست که کلیه رفقای که برای نشریه مطلب میفرستند یک اسم قراردادی برای خود انتخاب، و در زیر مطلبشان ذکر نمایند تا خوانندگان و دیگر اعضا صاحبان نظر را بتوسط یک اسم ثابت قراردادی بناسند •

"هیئت تحریریه نشریه"



رفقای عزیز هیئت مؤسس جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران در خارج کشور

نمن تقدیم درودهای گرم و صمیمانه و آرزوی موفقیت در فعالیت کارگری تان • نامه سرگشاده شمارا دریافت کردم • خوشحالم از اینکه رفقا تلاش میکنند تشکل دفاع از کارگران ایران را بوجود آورند و میخواهند به شکل دمکراتیک (انتخابات هیئت مدیره) و بد و راز فرقه گرائی (تشکل مستقل و بدون قرارداد ادن ملاک ایدئولوژیک برای عضویت) این امر مهم را به سرانجام برسانند • تا آنجا که من اطلاع دارم این شاید اولین اقدام سازمان یافته و دمکراتیک فعالیت کارگران تبعیدی باشد • امید است در کارتان موفق

نامه‌ای از یک کارگر

حساب کارگری!

کارگری که همکاری بود، بیش از کارگران دیگر با حقوق خود نا آشنا بود و در مواردی علناً از منافع کارفرما دفاع میکرد. سوادش کم بود و حدود ده سال سابقه کارتری داشت. او هنوز درک روشنی از استثمار نداشت. البته می دانست کارفرما تا حد و دی از کارکرد او استفاده می برد، اما از چند و چون آن بی اطلاع بود. بحثها و ادعاهای کارگران پیشرو را جدی نمی گرفت و آنها را اغراق آمیزی دانست. قبلی از آنکه کارگر شود در ده زندگی میکرد و بمحض آمدن به شهر کارگر شده بود. در این ده سال هم با کمتر کارگر پیشروئی آشنائی پیدا کرده بود و چنین کارگرانی را در محیط کار خود ندیده بود. بهمین خاطر پیش از کارگران دیگر برای تولید بِنفع کارفرما تلاش میکرد. با اینکه مدیریت جدید اجرت دریافتی تولید را ریز بریز روی هر سفارشی که از مشتری میگرفت روی ورقهای می نوشت و ضمیمه سفارش کار میکرد (بطوریکه هر قسمتی براحتی میتواند میزان کار خود را از روی آن محاسبه کند)، با اینهمه بسیاری از کارگران و از جمله همین دوست ما از درجه استثمار خود بی اطلاع بود.

یکروز به او گفتم: بابا بهم يك حساب کارگری کنیم!

— یعنی چی؟

— ببین، کارفرمای جدید هر سفارشی که از مشتری می‌گیرد، قیمت و اجرت کارهای بخش‌های مختلفی که روی اون کار میکنن تا تکمیل بنه، روی یه ورقه می‌نویسه. (و در حالیکه ورقه را نشانش میدادم ادامه دادم) اینهاش، اجرت کارتور و اینجایی نویسه، اجرت کارمنو اینجاست. او در حالیکه ورقه را نگاه میکرد گفت:

— خب آره، ولی اجرتی که اینجا نوشته به مانمی ده، یعنی برای خودشه، چون پول ماشین، برق و آب و... هم توشه.

— نه! پول ماشین و برق و آب... اینجاست. او نارو جدا نوشته!

— ... راستش من زیاد سردر نمی‌آرم، سواد درست حسابی هم که ندارم.

— ولی این خیلی ساده اس. کارفرمای ما چون جوونه و چون باباش مرده حالا خودش تازه مدیر اینجاشده بی تجربه اس و اجرت هارو اینجایی نویسه، که باباش نمی نوشت. — درسته؟

— آره! باباش خیلی زرنگ و وارد بود!

— خب! خوبه که مایه مدت، مثلاً دوسه ماه میزان اجرت خودمونو حساب کنیم، تعطیلی جمعه‌ها و روزهای دیگر و ارزش کم کنیم، مرخصی سالیانه ویمه و... رو هم حساب کنیم، بعد ببینیم این مدیر جوون از بابت کارما چقدر به جیب میزنه؟! —

— باشه، قبول! اما سه ماه زیاد، یه ماه!

— یه ماه هم میشه، اما دقیق نیس، سه ماه دقیق تره!

— حالا زیاد هم دقیق نباشه!

کارگران تبعیدی و دوست و رفیق کارگراسم برده شده است این يك اصطلاح باز و گلی گشادی است. خصوصاً وقتی معیار و ملاکی هم از نظر سیاسی و ایدئولوژیک نباشد اگر تشکیلی کارگران است خوب فقط کارگران باشند حال میشود همین کارگران از امکانات مثلاً بقیل شما "آنها که منافع جز منافع طبقه کارگر ندارند" استفاده کنند و حمایت آنها را بپذیرند و از آن در جهت پیشبرد اهداف خود استفاده کنند ولی بیایند و هیئت مدیره انتخاب کنند و سند و مدرک تهیه کنند، ارتباط بگیرند و مسئله و غیره شوند دیگر نمیشود البته تا دلتان بخواهد مدعیان فعالیت برای کارگران فراوانند به قولی سنگ مفت و گنجشک هم مفت، سازمانهای مختلف هم ادعا دارند يك ضعف اساسی جنبش کمونیستی ما این است که شاید ترکیب همه آنها ۵٪ هم کارگری نباشد و هیچ ارتباط خلاق و مستقیمی هم با جنبش طبقه کارگر ندارند این همه در سازمانها انشعاب میشود ولی در طبقه خبری نیست حالا اینها بشوند مسئولین تشکیلی کارگران، روشنفکران خارج نشین که خوب ثوری میتراشند. تجربه تشکلات کارگری سالهای ۲۰ - ۳۰ هم نشان داد که مثلاً شاهزادگان و اشراف زادگان روشنفکری مثل کامبخش، اسکندری و روستا و دیگران در بزنگاه خراب میکنند و خیل تشکیلی کارگران را به ناکجا آباد رهنبری میکنند. با این تفصیل بنظرم باید اینجای خصوصاً تمایز طبقاتی عمل نکند فقط کارگران بتوانند عضو رسمی باشند و حق انتخاب کردن و انتخاب بقیه در صفحه ۹

مروری بر مبارزات کارگران

درسال ۵۷

دنیاله از صفحه آخر می کرد. کارخانه در نیه محاصره نظامیان در آمده بود.

★ بدنیال اعتصابات هزار کارگر پالایشگاه آبادان تمام صنایع نفت خوزستان و اکثر بخش صنعتی و اداری صنعت نفت در تهران بدست کشیدن از کار به صفا اعتصاب پیوستند. یازده هزار کارگر پالایشگاه آبادان نیز با اعلام خواست های ۱۵ ماده ای خود که مهمترین آنها اضافه حقوق، تامین مسکن و اجرای طبقه بندی مشاغل کارگری بود به اعتصابیون ملحق شدند. کارگرانی که در واحدهای حساس مربوط به صنیه و تولید نفت در پالایشگاه آبادان کاری کنند اعلام کردند که ضمن پشتیبانی کامل از اعتصاب به خاطر جلوگیری از زیان های اقتصادی و مشکلات عمومی به کار

در بخش تولید ادامه خواهند داد. این کارگران تاکید کردند که در صورت لزوم و تشخیص عمومی کارگران دست از کار خواهند کشید. کارگران کارگاه مرکزی شرکت نفت آبادان و نیز کارگران و کارمندان اداره حمل و نقل که جمعا متجاوز از چهار هزار نفر هستند به پشتیبانی از برادران اعتصابی خود و اعتراض به دستمزدها و دست از کار کشیدند.

★ ۱۰ مهر روز دوشنبه پیش از ۴۰۰ کارگر شرکت درخشان و فولاد مهر که پیمانکاران حمل و نقل شرکت ملی نفت در آنجا جاری هستند و نیز کارکنان فروشگاهها و انبارهای مرکزی سازمان تعاون صنعت نفت به پشتیبانی از اعتصاب باشکوه کارگران پالایشگاه آبادان و اعتراض به کسی دستمزدها و شرایط دشوار کار را به اعتصاب پیوستند.

★ در اوایل مهر کارگران و کارمندان ۲ شرکت پیمانکاری حفاری

وابسته به شرکت نفت در اهواز که دست به اعتصاب زده بودند خواست از ۱۶ خواست آنان مورد قبول مسئولین قرار گرفت و کارگران پیروز به سرکار برگشتند. این اعتصاب یک هفته بطول انجامید. خواست برآورده شده کارگران عبارتند از: پرداخت ۱۵ درصد اضافه حقوق، پرداخت ۶۷۰ ریال حقوق ماموریت به کارگران بجای ۱۵۰ ریال قبلی، پرداخت معادل ۱۰ ماه حقوق به خانواده کارگرانی که خارج از واحد کار خدمت می کنند، افزایش حق کرایه خانه کارگران از ۲۷۴ تومان به ۶۰۰ تومان، پرداخت معادل ۲۰ ماه حقوق به کارمندان و کارگرانی که در واحد حین انجام وظیفه فوت می کنند (این مبلغ از ۱۰۰ هزار تومان تجاوز نخواهد کرد). کارگران اعلام داشتند که در صورت عدم انجام سایر درخواست های شان باردیگر اعتصاب خواهند کرد.

★ از ۹ مهر ماه کارگران و کارمندان سازمان های آب و برق شهرهای بزرگ خوزستان مانند اهواز، آبادان، اندیشک، دزفول و خرمشهر به عنوان اعتراض به دستمزدهای پائین و دشواری شرایط کاروند داشتن مکن مناسب دست از کار کشیدند.

★ کارگران و کارمندان برق منطقه ای کرمانشاه نیز با اجتماع در محوطه اداره با خواست اضافه دستمزدها، اجرای قانون کار و تامین مسکن دست از کار کشیدند.

★ بیش از ۴۰۰ کارگر شرکت پاسترولرو وابسته به صنایع فولاد اهواز دست از کار کشیدند. آنها خواهان حق مسکن، افزایش دستمزدها، خدمات درمانی و افزایش مدت مرخصی هستند.

★ کارگران سیمان آبت واقع در جاده قزوین برای اعتراض به کم دستمزدها و شرایط دشوار کار دست به اعتصاب زدند.

حساب کارگری!

بمدت یکماه تمام اجرت های دریافتی کارفرما از بابت کار او و خود م را با او ریز بریز حساب کردیم. همه روزهای تعطیلی و مرخصی و بیمه و چیزهای دیگری را که بنظرمان می رسید هم حساب کردیم. مبلغش را یادم نیست، اما مدت زمان کار لازم و اضافی او و خودم را یادم هست. مدت زمان کار لازم او ۲۶ دقیقه در روز و مدت زمان کار لازم من ۳۲ دقیقه در روز بود.

برای او توضیح دادم:

— ببین، این یعنی کارفرما از قبیل کارتو اینقدر استفاده میکند، این یعنی "استثمار". تو در روز ۲۶ دقیقه برای خودت کار میکنی و بقیه ساعت، یعنی ۷ ساعت و ۳۴ دقیقه رومفت و مجانی برای مدیر کار میکنی. اختلاف ۲۶ دقیقه و ۳۲ دقیقه هم بخاطر اینست که هم حقوق من بیشتره و هم ماشین تو مدرن تره.

او که هنوز باورش نمی شد، گفت: این که خیلی نامرذیه! چندین بار محاسبه را تکرار کرد و من هم از زوایای مختلف برایش توضیح دادم. وقتی کاملادریافت، گفت:

— حالا سه ماهه حساب کنیم تا دقیقتر باشه!

البته سه ماه نکشید که مرا از آنجا اخراج کردند، اما دوست ما یک مبلغ "حساب کارگری" شده بود و دیگران کارگرسر نیز قبلی نبود.



تذکره!

دوستان عزیز!

۱- نیازه توضیح ندارد که امکانات ما برای تداوم و پیشبرد فعالیت مان بسیار محدود است و دو کمک مالی شما ادامه کار برایمان دشوار خواهد بود. بهمین دلیل از شما انتظار داریم در این راستا ما را یاری کنید.

۲- دوستان زیادی مطالب خود را، که حاوی خاطرات دوران کارگری شان است، برای ما فرستاده اند، که ضمن تشکر از آنان لازم به یادآوری است که صفحات نشریه ما محدود است و متأسفانه جز رعایت نوبت و یا اولویت مطلب، همه آنها را نمی توان در نشریه درج نمود. نشریه ما علاوه بر خاطره، به مطالب مربوط به مسائل کارگری بیشتر نیازمند است و از شما تقاضا داریم در این زمینه نیز با ما همکاری کنید.



از این سموم که بریوستان بگذشت . . .

خودش دیگر کارخانه نمی آید. راه باز و جاده دراز. مگر ما مجبور شدیم که این کار کردیم.
گفتم: "شما در واقع او را به کار کردن مجبور می کنید. چرا پسرش را اخراج کردید و کار او را به این پیرمرد دادید؟"
گفت: "اشتباه به گوشت رسانده اند. پسرش از جوانان فریب خورده گروه های "سیاساخته" بوده به سزای اعمالش رسید. شما هم زیاد وارد جزئیات قضیه نشوی برای بهتر است."

چند هفته بعد که اعتقاد پیرمرد به من جلب شد. به تفصیل شرح داد که چگونه پسرش را کشتند.

آن روز جمعه بود. پسر دست زن و بچه اش را گرفته خانه مانده بود. سفره نهار را پهن کردید.

او دختر کوچکش را روی زانویش نشاند. بود و دانست نان و ماست توی دهان بچه می گذاشت. گاهی هم غذا را فوت می کرد و به بچه می داد. همه مشغول غذا خوردن بودیم. ناگهان از صدای شکسته شدن

درب اتاق همه از جا پریدیم. به يك چشم برهم زدیم چهار پنج پاسدار و کتیبه جی از درون پنجره درون اتاق هجوم آوردند. پسرم خیز برداشت که فرار کند اما

قبل از اینکه دخترش را کاملاً بر زمین بگذارد دیدیم چهره و زنیلیوی اتاق خون آلود شد. نعره های پسرم که

از دردی خود می پیچید و شیون زن و فرزند و مادرش همسایه ها را به حیاط خانه مان ریخت. یکی از پاسداران

به جمعیت تشرزد: "هرکس يك قدم جلو بگردد از او می زنم." به روح الله قسم می زنم. ویت رگبار

هواش گرفت. جمعیت پراکنده شد. نامرد ها پسر را

کشان کشان تا کنار درخت حیاط لب چاه بردند و همانجا تیربارانش کردند. آن وقت سر مرغ را هم بخواند ببرند

اینطور سنگ کش نمی کنند. کمی آب به اومی دهند. حالا يك سالی از آن موقع می گذرد. بچه ها معلوم

شد اصلاً دادستانی نتوانست دستور را صادر کرده بود و این شماره را روانه کرده بودند که او را دستگیر

کنند. اینک اعدادش کنند. خیلی داد و ببیداد کردیم.

همه جا عارض شدن و عرض حال دادیم. خلاصه بسری اینک که

اینکه کاریج پیدا کنه مراسم جای او در این حراب سده، گذاشتند. آخر او تنهاتان آورخانه مان بود.

آهی کشید. دست پینه بسته اش را از دستکش

کاربرون آورد چشم مناکش را پاک کرد:

"حالا قدمت روی چشم يك وقت فرصت کن بیسا

خانه ما. آن ده بالاست. هشت يك فرسخ راه است.

وقتی آمدی قبرش را نشانت می دهم. پای همان درخت

کار چاه. آب خانه مان دفنش کردیم. آخر کتیبه محفل

اجازه نمی داد توی قبرستان ده دفنش کنیم. می گفتند:

"تنش نجس هست و خاک اما مزاده ده قبولش نداره." چون

وقتی زنده بود دین و ایمان سرش نمی شد. اما آقا جان

خدای داد از هر اما مزاده های پاکتر بود. از همان شش

هفت سالگی توی شالیزارها واردستم بود. کشت می کرد. او که رفت جان و دلم کنده شد.

سعی می کرد با سرفه های مصنوعی بغضش را فرود

بخورد تا متوجه نشوم. باور نمی کردم در رژیم جسد

خمینی اینقدر جان انسان بی ارزش باشد.

نمی توانست پشت و سرگردنش را مستقیم نگه دارد. دو پای استخوانی از زانو ها به چپ و راست برگشته ستونهای لرزان آن بدن نحیف بودند که اگر تماشای راحتی با همان لباس مندرس و چکمه لاستیکی سنگین وزن میکردی به زحمت به پنجاه کیلومی رسید.

گفتم: "خسته نباشی پدرجان (حالا چرا چهارتا چهارتا موزانیک هارا از جا بلند می کنی. یکی یکی بردار. هر کدام ۴-۵ کیلو وزن دارد."

نگاهی به من کرد، عرق پیشش را جابجا کرد و نفسی کشید تا حالش جابجایید. گفت: "چه کم مجبورم اگر

یکی یکی بردارم جنگ دیر می شود پدرجان. آنوقت با سر کارگردم سرداریم. خودت که می بینی تا

می خواهم نفس تازه کم یکی دیگر مجبور می کشم."

همین هنگام سر کارگر گریه اش شد: "آقا حشر

نزدید (منه من غریب) "رایگد اید برای وقت نهار" و بسا

چشم های دریده که از میان ریش و ابروی انبوهش

سوسو میزد به ما خیره شد. گفتم: "شما کس می بینید

اینطور کار برای این پیرمرد سنگین است چرا یک کنار

سنگ به او نمیدید؟" گفت: "تو هم که غوره نشسته

مویز شدی. برو سر کارت آقا (وقت ما را نگیر. حالا بایست

جای شکرش باشد که کار پسرش را به او دادیم."

پیرمرد با اشاره چشم و ابرو به من فهماند که قضیه

را فیصله بدهم. چنان کردم. اما همانروز به سراغ

مدیر عامل رفتم. ه آشناش دوری با من داشت و فکر

می کردم حداقل در این روزهای ابتدای کارم روی

زمین نخواهد گذاشت و خواهش می کردم پزیرد. وارد

اتاق کارش شدم. چهار دیوار اطراف اتاق را پراز

تثال بی مثال آخوند ها دیدم که فاصله بیست

عکس هارا نیز خودش با خط نستعلیق سوره هائسی از

قرآن نوشته بود. روی دیوار سمت چپ زبر عکس خینی بسا

خط درشت نوشته شده بود "قبله" و بعد اضا و واسم

مدیر عامل که "بعله ما هم دیدن ازیم" بیاد این شمس

سعدی افتادم که:

ملک اگر زباغ رعیت کند سببی بر آوند غلامان او درختان

و در دل گفتم شکر خوردن بیش از این نمی شود که

طرف مدتها زبر چرم تود های پاسبانه زده می زند و حالا

اینطور برای شتی آخوند دم لابه می کند.

پرسید: "چه کار دارید؟" ماجرای برنود صبح را

شرح دادم و خواستم به پیرمرد کاری سبک تر بدهد.

گفت: "امکان ندارد."

گفتم: "اقلایگد اید موزانیک هارا یکی یکی بردار."

گفت: "آقا شوی این شرایط جنگی که امام دستور

اضافه تولید صادر فرموده. و باید همه نیروها اتحاد

عمل داشته باشند شما دارید کم کاری را تشویق می کنید؟

اگر این اجازه را بدهم در روز دیگر همه کارگرها

خودشان را به پیری و مرضی می زنند. آنوقت (خسر

بیا و قالی پارکی).

گفتم: "من چکاره وضع ملک دارم. قضیه

اینجاست که پای کوره يك انسان دارد در موزه جسان

می کشد و می میرد. دارد داغان می شود."

گفت: "سناه دکتر هستی نه باور می کنی. نمی خواهد

برای دیگران دل بسوزانی. اگر کارش سنگین باشد

"در حاشیه بسیاری از شالیزارهای شمال، برکتسار جاده های ارتباطی، صدها کارخانه کوچک و بزرگ از همان زمان که روند نابودی کشاورزی ایران بر اثر اصلاحات ارضی شاه ملعون آغاز شده بود، برپا شده است. تودال های دیروزی، با خشکاندن شالیزارها بر محصول، سود صدها جریب زمین برنجکاری را از دست کارگاه چند صد متری به جیب می زنند و در واقع يك تیر و دو نشان می زنند. هم بخشی از شالیزارها نشان پایرجاست و هم از کشاورزان به هنگام مناسب نبودن فصل کشت بعنوان کارگر روز مزد استفاده می کنند. این روند البته در رژیم کنونی شتاب بیشتری به خویشت گرفته است."

اوایل سال ۶۰ بود که در یکی از این کارخانه ها

مشغول به کار شدم. کارخانه ای موزانیک سازی بسا

حدود صد کارگر که ۷۲ نفر روز مزد فصولی بودند. فاجعه

زندگی آنان خود حکایتی ست. "با مدبری از آن فسیل ها

حزب توده که روابط حسنه ای با انجمن اسلامی

کارخانه داشت و بقول معروف هم یار قافله بود و هیچ

سنگ دزدان. نمی از سالن تولید را که موزانیک پز

تشکیل می داد و در زمین دیگری سه باند متحرک

کارگران بطور منظم در قالب های خالی، که از پزیرشان

رد می شد ملاحظ می ریختند. عده ای دیگر در کار کسوره

موزانیک های پخته و آماده را از قالب در آورده و می جت

هیدرولیک می چیدند و گروهی دیگر جت هارا به سمت

گامیون های پارک شده در محوطه بیرون سالن

تولیدی می بردند. در این نوع تولید موزانیک کسه

و پیراسیون نام دارد، سنگین ترین قسمت کار در کسار

کوره است که کارگران در فضایی بسته و نیمه تاریک،

فرقیزان موزانیک هارا از داخل کوره بیرون می کشند و

روی جت می چینند. در چند روز اول هر دم به پایین

نعت پیرمردی را می دیدم که همیای کارگران جوان

موزانیک هارا روی جت می گذاشت. سرفه های

کندار مهلت نفس کشیدن به او نمیداد. گاهی کسه

پشت راست می کرد تا نفسی تازه کند، کارگر و پیرمرد

بطور هم ریخت و بجای او موزانیک هارا می چید و دوباره

سرجایش بر می گشت و به کار ادامه می داد. سال ها کار

سنگین چنان ستون فقراتش را کج و خمیده کرده بود که

کارخانه های ایجاد شده در مناطق روستایی از

پراکندگی شتت کارگران فصولی بهترین استفاده را

می بردند. او لابه بهانه فصولی بودن آنان، که در واقع

همگی کارگر کشاورزی هستند از استخدا همی آنها ظفره

می روند و دیگران پرداخت مالیات و بیمه نیز معاف

هستند. تا نیا کارگران کشاورزی ترجیح می دهند بسا

حداقل مزد در این گونه کارخانه ها کار کنند تا اینکه

۱۰ ماه سال را آفتاب نشین گونه دیوار قهوه خانه ها

باشند. برای مثال در کارخانه مذکور هر کارگر

روز مزد، به بهانه تخصص نداشتن، درازا ساعت کار

روزانه ۱۰ تا ۱۲ ساعت می دادند. هر کارگر که در طول ماه

يك ساعت هم غیبت نداشت در سال يك با حقوق يك

ماه را می توانست بعنوان قرض الحسنه بگیرد. ثالثا

چون تقاضای کار در اینگونه کارخانه ها بسیار زیاد

است، صاحبان با تعویض دائمی کارگران روز مزد

امکان هرگونه تشکی و اعتراضی را از آنان سلبی کنند و

با جفاق نامرئی، امکان اخراج کارگر روز مزد "بالاترین

بهره را از نیرو کارشان می برند."

طرح پیشنهادی منشور و اساسنامه

دنباله از صفحه اول

ایران با اتحادیه های کارگری دیترکشور هـا و استفاده از تجربیات مبارزاتی آنان در جهت سازماندهی جنبش سندیکائی کارگران ایران

شرایط عضویت

افرادى كه داراى شرایط زیر باشند بـه عضویت جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران پذیرفته میشوند :

۱- کارگرانی که در ایران سابقه کارگری داشته اند و یا فعلاً کارگر میباشند .

۲- داشتن حداقل ۲ سال سابقه کارگری

۳- قبول بیانیه و اساسنامه

۴- پرداخت حق عضویت به مبلغ مارک در ماه تبصره يك - هر واحد كسورى مى تواند مستقیماً عضوئیرى كند .

۵- داشتن ۲ عضو با سابقه (در شرایط حاضر اعضا هیئت مؤسس) بعنوان معرف .

حقوق اعضا

۱- هر عضو حق انتخاب شدن و انتخاب کردن دارد .

۲- حقوقی اعضا برابر است .

۳- کلیه اعضا می توانند در تمامی عرصه های فعالیت جنبش شرکت کنند ، و انتقادات و پیشنهادات خود را به جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران ارائه دهند .

تبصره يك - انتقادات و پیشنهادات اعضا در نشریه جنبش ۰۰۰۰ قابل درج است .

مجمع عمومی

مجمع عمومی بالاترین ارگان تصمیم گیری است و جلسات آن هر شش ماه (یکسال) یکبار تشکیل میشود . تبصره يك - مجمع عمومی با حضور ۲ اعضا رسمیت می یابد . (در شرایط حاضر محلت مشکلات ارتباطی و مالی اعضا نصف + ۱)

تبصره دو - مجمع عمومی فوق العاده بـه درخواست ۲ اعضا می تواند تشکیل شود .

وظائف مجمع عمومی

۱- بررسی گزارشات ارگانهای جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران .

۲- تشكلى به استقلال كامل تعیین سیاستهای خود از جانب ارگانهای عالی (مجمع عمومی ، هیئت مدیره) معتقد بوده و به هیچ گروه یا سازمان سیاسی وابسته نمیشد

۴- تشكلى معتقد به همبستگی با دیگر زحمتمکشانی که با خواسته های حداقل صنفی ، سیاسی ، دمکراتیک کارگران همسو و هم جهت شوند بوده و از مبارزات آنان پشتیبانی مینماید

۵- تشكلى مانع مقدماتی برای دستیابی به حقوق صنفی ، سیاسی و دمکراتیک را جمهوری اسلامی دانسته و به بارزه با آن معتقد است

۶- تشكلى به همبستگی جهانی کارگران و حمایت مادی و معنوی متقابل از جنبشها و مبارزات کارگری بین المللی معتقد و متعهد بوده و در حد توان خود از مبارزات جهانی کارگران حمایت مینماید .

اهداف و وظائف

۱- دفاع از حقوق صنفی ، سیاسی و دمکراتیک کارگران ایران*

۲- دفاع از مبارزات و خواسته های کارگران ایران در مقابله با دولت جمهوری اسلامی و کارفرمایان ، افشای همه جانبه جمهوری اسلامی

۳- افشای بی حقیهای حاکم بر کارگران ایرانی در بین افکار عمومی بویژه در بین اتحادیه هـا و سازمانهای کارگری مرفقی در دیگر کشورها ، و جلب حمایت آنان در دفاع از حقوق صنفی ، سیاسی و دمکراتیک کارگران ایران و از این طریق اعمال فشار بر رژیم جمهوری اسلامی

۴- تلاش در جهت ایجاد رابطه بین کارگران

* ۱- دفاع از حق طبع کارگران ایران برای برپائی اتحادیه ها و هنر و نوع تشكلى مستقل کارگری و حق اعضا
 ۲- دفاع از اعضا و مبارزات طبقه کارگر ایران
 ۳- دفاع از بیسود مطبوعه زندگى و معیشت کارگران ایران
 ۴- دفاع از حقوق و بهره زسان کارگر و دفاع از برابری کامل حقوق زنان با مردان در برابر کار
 ۵- دفاع از حق کار و بهره بیکارى
 ۶- دفاع از حق دخالت تشكلى مستقل کارگری در تدوین قانون کار
 ۷- دفاع از حقوق معالین کارگری زندانى و اخراجى و خانواده های آنها
 ۸- جلوگیری از اعزام اجبارى کارگران به جبهه ، کسرها و اجبارى برای جنگ ، اخراجهاى دستجمعى ، دستگیرى و سرکوب کارگران
 ۹- دفاع از آزادى زندانىان سیاسى
 ۱۰- دفاع از آزادى سیاسى حقوق دمکراتیک مردم ایران
 ۱۱- دفاع از قطع بدون عهد و شرط جنگ ایران و عراق و صلح دمکراتیک
 ۱۲- همبستگی با جنبش طبقه جهانی کارگر و دفاع از مبارزات کارگران همه کشورها .

- ج - ارتباط با مجامع جهانی •
 د - تنظیم و پیشبرد انتشارات و بررسی و تنظیم رهنمودهای عملی در رابطه با گزارشات مالی و ارتباطات واحدها •
 ۲ - واحدهای کشوری (آلمان - اتریش - دانمارک)

وظائف واحدهای کشوری

- الف - پیشبرد مستقلاً برنامه در کشور مربوطه
 ب - ارتباط با سازمانهای کارگری و سازمانها و تشکلهای دمکراتیک ایرانی و شخصیت های مرفقی •
 تبصره ۱ - هر واحد کشوری می بایست طبق برنامه شش ماهه مسائل مربوط به ارتباطات و مالی واحد خویش را تنظیم نماید و به دفتر مرکزی گزارش دهد •

- تبصره ۲ - تبلیغات منقذهای بعهده واحد کشوری و انتشار ارگان رسمی جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران بعهده دفتر مرکزی است که با صلاح دید مسئولین رشته ها و دبیران کلیه واحدها اجرا میشود •

رشته های فعالیت

- ۱ - ارتباطات سیاسی
 ۲ - تبلیغات و انتشارات
 ۳ - تدارکات و مالی
 تبصره ۱ - هر واحد به مسئولیت یت دبیر اداره میشود؛ مجموعه دبیر و مسئولین رشته ها هیأت اجرایی واحد را تشکیل میدهند •

هیئت مؤسس

- جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران
 در خارج کشور

- ۱ - تخییریانیه و اساسنامه با تأیید اعضا •
 ۲ - انتخاب هیأت اجرایی و مسئولین واحدها بمدت ۶ ماه (یکسال)
 ۴ - تصویب برنامه شش ماهه (یکساله) پیشنهادی

هیأت اجرایی

- این هیأت مسئول پیشبرد برنامه شش ماهه (یکساله) تصویب شده توسط مجمع عمومی است •
 هیأت اجرایی درین خود یت دبیر و مسئولین رشته ها را انتخاب می نماید • مجموعه دبیر و مسئولین رشته ها هیأت اجرایی را تشکیل میدهند •

وظائف هیأت اجرایی

- ۱ - تدوین برنامه شش ماهه (یکساله) و تلاش و کوشش در جهت اجرای عملی آن •
 ۲ - ارتباط با سازمانها و تشکلهای دمکراتیک ایرانی و شخصیت های مرفقی و بین المللی و بویژه اتحادیه های کارگری •
 ۳ - حفظ اطلاعات و اسناد جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران
 ۴ - بررسی پیشنهادات و انتقادات اعضا و پاسخ کوئی بآنها •

ارگانهای سازمانی

- ۱ - دفتر مرکزی :
 این دفتر توسط هیأت اجرایی اداره میشود و وظائف آن بدین شرح است :
 الف - هماهنگی بین امور کشورها •
 ب - برگزاری نشست شش ماهه (یکساله)

آن پرداخت • امیدوارم که نوشته های من هم زیادی بی رست نباشد •
 (بقیه نامه این رفیق همسرزم راجع به معرفی خود و تاریخچه فعالیت کارگری و سیاسی می باشد که بمنظور ارائه شناخت از خود ارائه شده است) •

برایم بفرستید •
 پنجم اینکه من که این همه صغرا و کبران نوشته ام کی هستم • البته میتوانید بگوئید آقا اول برادریات را ثابت کن بعد ادعای ارث • ولی خارج اینها اگر حرف مایه ای داشته باشد وبد وراز غزی برزی میشد اوری نوشته شود باید به آن فکر کرد و به

نامه ای از یت کارگر دنباله از صفحه شدن ، حق نشر در تصمیم گیرها ، حق جمع بندی و واریسی اسناد و مدارک و اخبار کارگری و غیره داشته باشند ، رای و نظر دیگران مشورتی و عملشان حمایت و یاری رسانی باشد •
 چهارم اینکه خواهش مندم اساسنامه و چگونگی شکل گیری هیئت مؤسس و یابرشورها و اعلامیه های که تاکنون منتشر کرده اید را

برای حمایت از مبارزات کارگران ایران متحد شویم!

برمی گردم، یعنی درحقیقت ۴ ساعت و نیم .

★ در شهر کالسروهه دریت صحافی بزرگ باحد و سی نفر کارگر کارمی کردم . درجائی پشت يك ماشين برش کارمی کردم . نواخت کارچنان بالا بود که هرگاه عطسه می کردم وسط د و تا عطسه حتماً می بایستی يك بسته کاغذ را در ماشين برش می گذاشتم وگرنه عقب می افتادم . محیط کار بقدری غیر انسانی بود که اگر کسی نتواند به آن عادت کند دیوانه می شود . اگر کاری را بلد نیستی کسی نیست که بدادت برسد . دیرجینی اخراجی . اکثر کارگران بنصوص کارگران جدیدالاستخدام وقتی مریض می شوند ترجیح می دهند مریض سرکار بیایند وگرنه احتمال اخراج وجود دارد .

★ توماس نقاش است . درحقیقت نقاشی تحصیل کرده است . می خواهد نقاشی کند ولی پول ندارد . لذا با مؤسسه Bauhaus قرارداد یکساله بسته است که نصف روز تا ساعت ۱۲ ظهر کارمی کند و بعد از ظهر نقاشی می کند . طی هنوز د و هفته نگذشته می گوید که جانش به لب اش رسیده است . بیچاره هنرمند است و محیط خشن آلمانی که سرمایه داری خشن ترش کرده است برایش جهنم است . می گوید ستون فقراتش خراب است یکی از مهره های پشتش تقریباً از بین رفته ولی علیرغم آن بارهائی را باید حمل کند که آدم سالم نمی تواند . ظهر موق نه روز رادیو شنیدم که از یکی از موزه های آمستردام سه تابلو دزدیده شده که د و تایش از " وسان وانکوگ " و سومی از " پل سزان " است . ارزش سه تابلو جمعاً صد میلیون مارک بوده است . خنده دار است . بدبخت توماس هیچوقت " وان کوگ " یا " پل سزان " نخواهد شد هرچند که آنها نیز موقعی که زنده بودند وضعیت بهتری از " توماس " نداشتند زیرا " وان کوگ " همیشه گرسنه بود و آخر سر نیز از شدت بیچارگی و استیصال خود کشی کرد .

★ در اینجای بعضی وقتها مبارزه طبقاتی جایش را با مبارزه برای حفظ شغل عوض می کند . بیکاری برای يك آلمانی از بعضی لحاظ معنی اش خیلی بیشتر از بیکاری برای يك ایرانی است . يك بیکار در آلمان حتی اگر از نظر مالی مشکلی نداشته باشد که دارد از نظر اجتماعی صفر است . نسبت به بیکاران اصلاً نظر خوبی وجود ندارد . بیکاری در آلمان فدرال یعنی پاشیدن خانواده و . . .

★ آدم یاد نوشته های جک لندن می افتد . درباره خودش می نویسد که خیلی دلش می خواسته

درباره کارگران آلمان غربی :

س . از آلمان غربی

چند

خاطره و نظر

سرمایه داری در آلمان محیطی را بوجود آورده است که کارگر برای ادامه زندگی ، برای اینکه شغلش را حفظ کند ، برای اینکه احیاناً پله بالاتر برود کارگران دیگر را ، همکارانش را لگوم کند و از رویشان ردمی شود . سرنوشت دیگران برایشان علی السویه می شود . محیطی بوجود می آید که مثل جهنم می شود برای کسانی که انسانی فکری می کنند و می خواهند انسانی عمل کنند .

★ *Aushilfkraft* کسی است که می توان با او هر کاری کرد . در ناخانه کوکولا کارمی کردم . قسمتی بود که از بس کارش سنگین بود کارگران خود کارخانه را هر نیم ساعت به نیم ساعت عوض می کردند . تنها کسانی در این قسمت تعویض نمی شدند و مجبور بودند که تمام هشت ساعت و گاهی بیشتر امدام کار کنند عبارت بودند از *Aushilfe* . گوئی که این کارگران از بتن هستند یا بقول معروف *Roboter* هستند . در فروشگاههای شرکت *Bauhaus* نیز کارگران *Aushilfe* حق و حقوق ندارند ؛ ۱۲ مارک ساعتی می گیریم با کسر مالیات چیزی درحد و د ۱۰/۵ مارک (دانشجویان در آخر سال مالیات را پس می گیرند) . از ۸ صبح تا ۸ شب کارمی کنیم . یکساعت در وسط استراحت ناهار است . بدون استراحت و خوردن صبحانه . برای هیچ کارتری امکان يك مک و یایسک استراحت کوتاه نیست . روزهای تعطیل ، شنبه و یکشنبه کارمی شود . در آلمان که نمی دانم چند ده سال قبل روز کار ۸ ساعت به رسمیت شناخته شده و مبارزه امروزی کارگران برای ۲۵ ساعت در هفته است ، منا روزی ۱۲ ساعت حتی ۱۴ ساعت کارمی کنیم . هفته آینده قرار است ۹۸ ساعت در هفته کار کنیم . شب ساعت ۶/۵ بیدار می شوم و ساعت ۹ بعد از ظهر

* کارگران موقتی که در موقا رونق کار کارخانه ها برای

مدت محدودی به کار گرفته می شوند .

** آدمهای آهنی .

چهار نفر انجام می دادند .

★ در یک کارخانه بسته بندی گوشت و ماهی کاری کم . شیفت شب و ساعتی ده مارک . هسای داخل محوطه بشدت سرد و مرطوب است . کنار کثیف و محیط بشدت بدبو . از یخچال در حال ریختن یخ به داخل چهارچرخه هستم صاحب کارخانه با عده ای در حال بازدید قسمت است . بمن می گوید :

- اینطوری کار نمی کنند، سریعتر .

- سریعتر از این ؟

- البته، بده من نشانت بدهم .

بیل را می گیرد و چنان سریع مشغول ریختن یخ به داخل چهارچرخه می شود که دستهایش دیده نمی شود .

- دیدی ؟

- با آن سرعت فقط می توان ۵ دقیقه کار کرد نه هشت ساعت .

اختمایش را در هم می کشد و رد می شنود . ده دقیقه بعد عذرم را می خواهند . زیر ناوخت کار را رعایت نکرده ام !

الکل و کارگران

در صد بالائی از کارگران آلمانی الکی هستند . در جامعه ایران چه لحاظ فقر و چه محیط مذنی چنین پدیده هائی نادر است . کارگر آلمانی آبجو می خورد و بشدت نیز می خورد . زیرا الکل به وی کمک می کند تا ساعات خسته کننده کار را تحمل کند و زندگی را که بشدت یکنواخت است . عموم آبجو فروشیه از کارگران انباشته می شوند . اکثر کارگران عصرها مست به خانه می روند . لذا اکنون خانواده در بین کارگران بشدت متزلزل است . بچه های کارگران تقریباً محکوم هستند که راه پدر در پیش بگیرند . در مدارس حرفه ای (Brufschule) آلمان حتی بچه های کارمندان بندرت پیدا می شوند . گویا مدارس حرفه ای فقط برای بچه های کارگران ساخته شده اند . فقط ۱۱ درصد دانشجویان آلمانی به خانواده های کارگری تعلق دارند . کارگردرایمن جامعه محکوم به کارگرماندن است . کارگر به دنیا می آید و کارگراز دنیای رود (اگر دانشی نیآورده بیارنشود) و بچه هایش نیز محکوم به کارگرماندن هستند راه گزینی نیست !

مهندس برق بشود . بازحمت زیاد در یک کارخانه برق کاری پیدا می کند . صاحب کارخانه وقتی از آرزوی جث لندن با خبر می شود حیاط مدور کارخانه را نشان می دهد و می گوید این غرفه های دورتادور حیاط را می بینی باید از غرفه اول شروع بکنی وقتی به آخری رسیدی تقریباً مهندس برقی شده ای . جث با خوشحالی کار را در اولین غرفه شروع می کند . کارش ریختن زغال سنگ در آتشدان کوره کارخانه بسوده است . پاروهای زغال رلبرخمت می توانسته بلند کند . بعد از ۴ ساعت کار روزانه تمام بازوهای جث بساد می کنند . حین شام خوردن خوابش می برد . فردا کارگری یث جفت بازو بند به او می دهد می گوید جلو فشار را می گیرند و بعد یباشکی اضافه می کند کاریکه توجالاتنهائی می کنی قبلا توسط دو نفر انجام می شد . در مؤسسات کوچک آلمانی همینطوری است . سرمایه دار به محض اینکه احساس کند که می تواند بد و شد معطل نمی شود کارد و نفر را به یک نفر می دهد . در شرکت Bauhaus چندین تن نهمان و تخته سه لائی را در یک روز حمل کردیم . کارگری می گفت این کار را قبلاً حداقل

ارتش بیکاران در آلمان

نزدیک به سه میلیون نفر بیکار در آلمان وجود دارند . از این سه میلیون عده ای از اداره کار پول دوران بیکاری و یا کمک به بیکاران دریافت می کنند . عده ای که شرایط لازم را برای دریافت پول از اداره کار ندارند ، از ادارات تأمین اجتماعی پول بخور و نمیری می گیرند و عده ای هیچ چیز . یعنی اینجا و آنجا کار سیاهی گیر می آورند و انجام می دهند و یا اداره کار هفته ای یک روز به آنها درمؤسسه ای کاری دهد . زندگی این سه میلیون ، بغیر از عده ای که سابق شغل پردرآمدی داشته اند و جدیداً بیکار شده اند فقیرانه است . اینجاست که خانواده ها شروع به از هم پاشیدن می کنند . دختران رو به فحشا و پسران دزدی و ... پدراگریولکی گیریاورد به الکل پناه می برد . در روزنامه ها هر روز می توان اخباری از این گونه خانواده ها دید . خودکشی دسته جمعی ، کشتار خانواده توسط پدر و ...

* برای دریافت کمک از اداره کار باید حداقل یک سال

مداوم کار کرد .

دنباله از صفحه ۲

نگاهی به برخی جوانب فعالیت ما

در مورد سوال دوم: جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران رسالت حزب سیاسی کارگران ایران را ندارد و نیز قصد ندارد مبارزات کارگران ایران را از راه دور هدایت نماید. روشن است که کارگران کشور ما مبارزات روزمره خود را، که با زندگی روزمره شان درهم تنیده شده، همچنان بطور خود بخودی و یا سازمان یافته پیش می برند و نه آنها دستور فعالیت های خود را از طریق کتترل از راه دور می پذیرند و نه ما چنین تصمیم مضحکی داریم که بخواهیم از خارج از مرزها راه و رسم مبارزات کارگری را به آنها دیکته کنیم، بلکه همانطور که از نوشته ها و پلاتفرم جنبش برمی آید، ما میخواهیم از مبارزات کارگران ایران دفاع کنیم. میخواهیم

مسائل کارگران ایران را به میان کارگران دیگر کشورها ببریم و میخواهیم حمایت جهانی کارگران را نسبت به مبارزات کارگران ایران جلب نماییم. در کلام تصمیم داریم به دفاع متشکل از کارگران ایران برخیزیم.

اکنون به سؤال سوم بپردازیم: همانطور که گفته ایم، جنبش مایث تشکل اید و لوث ریگ کارگری نیست. اعضاء و فعالین این جنبش ممکن است اعضا و هواداران این یا آن سازمان سیاسی باشند یا نباشند. ما آنچه برای ما مهم است اینست که فعالین این جنبش از فعالین کارگری ایران بوده و با علاقه مندی به آن باشند، که در راستای مبارزات کارگران ایران و با تعهد به اهداف و اساسنامه "جنبش دفاع از حقوق سندیکائی" با ما همکاری کنند. آنها میتوانند تجربیات سازمان

سیاسی خود را در خدمت اهداف و برنامه این جنبش نیز بکار گیرند، اما امکانات جنبش نبایستی در خدمت تبلیغ خط و برنامه سازمانی آنها قرار گیرد.

امکان دارد برخی معتقد باشند ما نیز بدلیل دوری سه - چهار ساله از شرایط کار و کارگری ایران، دیگر "روشن فکر" شده باشیم و... خوب، اینهم برای خودش نظری است. اما ما تلاش می کنیم وضعیت موقتی فعلی ما را از طبقه مان جدا سازد - فکر میکنیم که جدا ساخته - و پس از بازگشت به ایران نیز جز ادامه کارگری راه دیگری نداریم. بهمین جهت مسائل کارگری ایران مسئله ماسیت و دفاع از مبارزات کارتری ایران و نظیفه ما. اینست نظرات ما. با اینهمه تصمیم نهایی را مجمع عمومی خواهد گرفت.

ابوبکر و کارگاه فلز کاری

ابوبکر از کردستان سوریه است. قبلا در بیروت کاری کرده و بعد از جنگ داخلی به آلمان آمده است. زنش اهل ترکیه است. با هم در یک کارگاه فلز کاری همکاری هستیم. ابوبکر قبلا در یک کارگاه دیگر فلز کاری کاری کرده است. می گوید: "صاحب کارگاه پدر مرا در آورد!" چگونه؟

- روزی بیشتر از ده ساعت کاری کردم ساعتی شش مارک. ضمناً سرایدار (Hausmeister) کارگاه نیز

بودم البته بدون مواجب. شب و روزم در کارگاه می گذشت. در حقیقت ۴ ساعت برای صاحب کار کاری کردم. تابستان وقتی که همه به مرخصی رفتند، صاحب کارگاه به من گفت "تو باید بعد از من به مرخصی بروی." خودش رفت و سگش را پیش من گذاشت تا ازش مواظبت کنم. روزی سه بار می بایستی آنرا به گرسردش می بردم. بعد از آمدن ارباب از مرخصی، وقتی از مرخصی خودم پرسیدم، گفت: "تو مرخصی ات را رفتی!" - کی؟

- وقتی که از سگ من مواظبت می کردی!

باشنای های زیر با ما مکاتبه کنید:

دانمارک:
Khosravi
Posterestante K 21
The main station
1570 K.b.h
Danmark

اتریش:
Schulgasse
Postfach 506
Wien 1181
Österreich

دفتر مرکزی: آلمان فدرال
Postlagerkarte
Nr. 123903 G
53 Bonn 1
W. Germany

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

خبرهای کارگری

به نقل از راه کارگر شماره ۵۴

اعزام اجباری کارگران به جبهه ها پس از پذیرش قطعنامه

کارخانه ایران یا سا

کارخانه قرقره زیبا

به نقل از کمونیست شماره ۴۲

کارگر قندشیروان

براشرگا زگرفتگی جان باختند

صبح روز ۲۰ خرداد، هنگام تخلیه، ۲۰۰ گنبدیده ای که بعد از تمام فعل بهره برداری سال گذشته همچنان در لوله ها باقی مانده بود، ۸ نفر از کارگران جان خود را از دست می دهند و ۲۸ نفر دیگر دچار مسمومیت میشوند.

این اولین بار نیست که چنین اخبار تکان دهنده ای را می شنویم و با انعکاس آنها را در روزنامه های دولتی، می بینیم. سرما به دولت سرما به داری اسم اینگونه قلع و قمع و قتل و گشتار کارگران را "حوادث و سوانح" محظف کا رگذاشته اند تا دست های جنایتکار خود را پنهان کنند. جنایت های خود را در چشم مسا

کارگران و در انظار عمومی پنهان کنند و سر شرایط آسکا را فدای ناسی و آشکارا جنایتکارانه ای که کار تولید را در این جامعه سازمان می دهند و کارگران در آن به استنما می کنند، سرپوش بگذارند. در ایران امروز همسرا

سی حقوقی و فقر و فلاکتی که دولت سرما به داری بر تنده های کارگر تحمیل کرده است، تعداد و ایضا اینگونه جنایات نیز از حد و حصر میگذرد. کمتر روزی است که جان باختن، از دست دادن دست، قطع انگشت، ماندن در لای شعله های یک حریق، سقوط از ارتفاع، مسمومیت و نظایر آن را در این با آن کارخانه و محیط کار شاهد نباشیم. مسمومیت ۳۶ نفر کارگر کارخانه قند شیروان و جان باختن ۸ نفر از آنان، گوشه ای دیگر از تصویر این گشتار جمعی را نشان میدهد.

در تاریخ ۲۷/۵/۶۷ تعداد دستن از ۲۰۰ نفر از کارگران اسکا را به جبهه اعزام کردند. این تعداد در سوط می غده جبارت است از امزام کارگران که در سال قبل نوبت بندی شده بودند. بعد از اعزام این تعداد از کارگران به جبهه ها، کارخانه ساکسود بیرسل مواحه میشود. مدیریت برای برگردن جای کارگران اعزامی مطرح میسما بد که کارخانه ساکسود در وقت ۱۲ ساعت کارکنند و از کارگران سخواد که از این بعد ۱۲ ساعت کارکنند. کارگران از همان ابتدا اعتراض خود را به طور فردی و جمعی بگوش مسئولین رساننده و خواهان ۸ ساعت کار در روز شدند. در حال حاضر از استنما اعتراض کارگران خبری در دست نیست.

به نقل از کمونیست شماره ۴۲

خبری از کارگران کوره پزخانه

طبق خبر کوتاهی که در بیانت کرده ایم کارگران کوره پزخانه "نلاس" واقع در ناحیه سردشت، امسال از صاحب کوره میخواهند که بر سردست مزدی کارگران به توافق برسند و قرار داد کار را با دخالت کارگران امضا کنند. کارگران علاوه بر این، خواهان رلوازم کار مناسب هم شده اند. کارفرما از رسیدگی به خواست کارگران ظفره رفته است و کارگران شهید کرده اند که در صورتیکه به مطالباتشان نرسند کوره پزخانه را ترک خواهند کرد!

به نقل از راه کارگر شماره ۵۴

رکود تولید و خطر بیکاری کارگران

دامن زده و آسنا از استکه در شرایط دشواری قرار گرفته اند شدت نگران هستند. با توجه به اینکه هنوز از اعتصاب قسلی کارگران چند ماهی نگذشته است. اعتصابی که با طرف مقابلت در برابر اعزام کارگران به کارخانه خود در زمان صورت گرفته بود. مزدوران رژیم در آن اعتصاب تعدادی از کارگران را دستگیر کرده و زندانی نمودند که هم اکنون نیز در زندان سومی برند، رژیم با سب ترش به سرکوب اعتصاب کارگران پرداخت. در برابر این اقدام رژیم، کارگران هنوز نتوانسته اند صفوف مقابلت خود را سازمان دهند. از اینرو آنها در یک وضعیت سردرگمی سومی بر بند و از این موضوع وحشت دارند که پس از مدتی همین امتنا زات داده شده در طرح جدید سر از آنها گرفته شده و آنها را بدون هیچگونه مزایای اخراج نمایند. تاکنون کارگران با سخ مناسی برای این مشکل پیدا کرده اند و منتظرند تا اطلاع رسمی مدیریت کارخانه ما در شود.

کارخانه زامیاد

در هفته آخر سرما به صورت غیر رسمی و از طریق سرپرستانه کارگران اعلام شده که دلیل کمبود لوازم بدکی، که در نتیجه آن تولید روزانه کارخانه به یک عدد دستان هم نمیرسد، مدیریت تصمیم گرفته است با اینکه کارگران را به مدت ۲ ماه به مرخصی فرستاده و در این فاصله ۲۰ درصد حقوقشان را پرداخت نموده تا اینکه س از این مدت سر نوشتشان روشن شود. با اینکه کارگران را تا خریدن نمایندون است که آنها حق سمسکا ری پرداخت شود و با هر کارگری که میتوانند در کارخانه دیگر کار پیدا کنند. در آن صورت ۱۰۰ هزار تومان به او تعلق گرفته و سواقی نیز محسوب خواهد شد. این شروط در حالی است که مقصد از پرداخت تا خریدن است به سال ۶۵ در حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است. طرح مسائل فوق از جانب سرپرستانه، موجب زنا سدی را در بین کارگران

بعد از خبر اعزام ۲۷ تن از کارگران به جبهه ها در تاریخ ۲۷/۵/۶۷ و در آن غوس لحظاتی با سان ساعت کار، رئیس انجمن اسلامی از کارگران مزبور مسخوادتا به کارگزینی رفته و غسود را به رئیس امورا داری معرفی نمایند. کارگران که اکثر قدیمی بودند نزد رئیس امورا داری رفتند. وی گفت که از سوی سازمان صنایع ملی دستور داده شد تا تعدادی از کارگران به جبهه اعزام شوند. حال شما سنا سنا برگردن فرما به جبهه خود را به با دگان مالک اکثر شهران معرفی نما شد تا ترش اب اعزام شما داده شود. کارگران سنا شنیدن این حرف رئیس امورا داری عصابی شده و از گرفتن فرم خودداری کردند. کارگران گفتند ما سخواد هم به مرخصی بروم و به جبهه نخواهم رفت و شما هر چه دلتان سخوادا تمام دهید. اعتراض کارگران که ما را دو فرما دو معیانت همرا بود چنان با لاکرقت که حتی کارگران سنجی و خانواد شیدا هم حاضر نشدند به اعزام شوند. رئیس امورا داری در جواب گفت که حال تلفن می زنه سنا سنا را ببرند. کارگران با شنیدن این حرف به وی حمله کردند و با فحش و ناسزا نفرت خود را از این اقدام سنا ز کردند. رئیس انجمن اسلامی که وضعیت را خطرناک دید از کارگران خواست تا در مسجد جمع شوند تا آنها صحبت کنند. کارگران در مسجد جمع شدند. رئیس انجمن اسلامی در اول صحبت مطرح کرد که سنا سنا ایمان شما خیلی ضعف است. کارگران به این حرف او اعتراض کرده و گفتند که ایمان خودت ضعف است و ما مسئله مان اینست که سخواد هم به جبهه بروم. رئیس انجمن وقتی سنا اعتراض شد سنا کارگران رو سر و گردن سنا سازمان صنایع ملی تلفن زده مسئله را سنا آنها در میان گذاشت. مسئولین سازمان صنایع ملی هم در برابر مقاومت کارگران اعلام کردند که بگذارید کارگران به مرخصی بروند و بعد از پان مرخصی آنها را به جبهه اعزام نخواهم نمود. کارگران با شنیدن این خبر از موفقیت خود خوشحال شده و وقتی در تاریخ ۲۷/۵/۶۷ از مرخصی بازگشتند، خبر موفقیت و بیروزی مقابلت و متشنان راه اطلاع کارگران دیگر سنا نند. مقابلت و بیروزی کارگران موجب از ناددی در کارخانه سنا سنا و تاکنون از اعزام کارگران به جبهه ها خبری نشده است.

کارخانه پیمسی کولا

در این کارخانه با توجه به عدم استقبال کارگر برای رفتن به جبهه، یکی از مزدوران رژیم به کارخانه آمده و طی یک سخنرانی کارگران را تشویق به رفتن جبهه ها سنا بدولی موفقیتی از این کار بدست سنا آورد. جمعی پیش ترسک آموده کارخانه آمده و برای کارگران سخنرانی سنا بدولی س سردی و بی توجهی کارگران مواحه شده و دست از پان درازتر سنا ز سگرده.

از مبارزات سندیکائی کارگران کشورهای باموزیم

آفریقای جنوبی

به دنبال چندین دهه مبارزه بی‌امان سندیکاهای کارگری علیه کارفرمایان و دولت آپارتاید اتحادیه‌های کارگری از سالهای ۷۰ به این سو انسجام بیشتری یافته‌اند. این انسجام بدنال اعتصاب سراسری و وسیع کارگران بود که دولت را مجبور کرد در برابر تشکیل و پایداری اتحادیه‌ها عقب نشینی نماید. تا سال ۱۹۸۰ بیش از ۲۴۷/۰۰۰ کارگردر اتحادیه‌های مجتمع در فدراسیون و کنفدراسیون اتحادیه‌ها عضویت داشتند. اما پس از تشکیل و انسجام اتحادیه‌ی سراسری کارگران دهها کارگر به عضویت آن درآمدند. در حال حاضر این اتحادیه ۵۲۰/۰۰۰ عضو دارد. شامل ۳۴ اتحادیه کارگری می‌باشد. این اتحادیه از هم اکنون اعلام کرده است که مبارزاتشان محدود به مبارزه برای دستیابی به خواسته‌های صنفی نخواهد بود، بلکه در مبارزات سیاسی زحمتکشان سیاه پوست نقش فعالی را ایفا خواهد کرد. اکثر اتحادیه‌های کارگری هم اکنون در اتحادیه سراسری عضو هستند. آنها در مبارزات چندین سال اخیرشان نشان دادند که حاضر به کوچکترین سازشی نبوده و پیشاپیش توده‌های سیاه پوست در مبارزه علیه نژاد پرستی و دولت سرمایه داری گام برداشته‌اند. اعتصابهای سالهای ۸۲ - ۱۹۷۵ به خوبی نشان‌دهنده رزمندگی این اتحادیه‌های کارگری است:

سال	شمارا اعتصابها	تعداد کارگران
۱۹۷۵	۲۷۴	۲۲۰۰۰
۱۹۷۶	۲۴۵	۲۶۰۰۰
۱۹۷۷	۹۰	۱۴۰۰۰
۱۹۷۸	۱۰۶	۱۳۵۷۸
۱۹۷۹	۱۰۴	۱۵۰۰۰
۱۹۸۰	۲۰۷	۴۲۰۰۰
۱۹۸۱	۳۴۲	۸۵۰۰۰
۱۹۸۲	—	۱۴۱۰۰۰

خیزش جدید کارگران سیاه ازالهای ۸۰ با دامنه بسیار گسترده‌ای آغاز گردیده است و اینک ادامه دارد. بطور نمونه در سال ۱ اتحادیه کارگران معادن که تعداد اعضای آن بالغ بر ۲۰۰/۰۰۰ نفر می‌باشد اعتصابی را برای ۲۵ اوت فرا خواندند. اتحادیه از تاکتیک تعطیل واحد های تولیدی استفاده نمود. خس بر اقتصاد مملکت وارد آورد. هم چنین این اتحادیه خرید از مغازه های سفید پوستان نمود و توانست ضربات مهلکی بر پیکر بخش توزیعی و بازار داخلی این کشور وارد سازد. مبارزاتیه های کارگری و زحمتکشان سیاه بر علیه دولت سرمایه داری و نژاد پرست آفریقای جنوبی ادا و هر روز ابعاد جدیدی به خود می‌گیرد.

دعوت از طراحان
 جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران به
 است که آم مورد نظر با وگوکننده مسائل کارگری
 از دستان و رفقا تقاضا داریم
 طرح یا ایده خود را در این زمینه
 برای ما ارسال دارند.
 تشکر قبلی

درباره کار و زندگی کارگران کارگاههای کوچک

دستزد

۱۲ ساعت ، جوشکاری ۱۳ ساعت ، شیشه‌بری ۱۲ ساعت ، شهربنسی بزی ۱۲ - ۱۵ ساعت ، موزاشک سازی ۱۲ ساعت ، صنایع فلزی ۱۲ - ۱۴ ساعت و قالببانی ۱۲ - ۱۵ ساعت .

زندگی و معیشت کارگران

کارگران هر روز صبح ساعت ۶ به سرکار میروند و غالباً بی آنکه مجالی برای استراحت داشته باشند تا ساعت یک بعد از ظهر کار میکنند . یک ساعت برای صرف غذا و استراحت وقت دارند . غذای آنان از مسواد ارزان قیمت است و کمتر میتواند هفته‌ای یکبار گوشت و غذاهای دارای پروتئین بخورد . نیروی کارگران که در این مشاغل سنگین صرف میشود مواد غذایی ساده‌ای که کمترین مقدار پروتئین و ویتامین و مواد انرژی زا دارد ، باز تولید میشود . نگاه کوتاهی به سبزیهای ارزان عمومی و مقایسه آن با دستمزد کارگران نشان میدهد که کارگران برای تامین همین زندگی بخور و نمیرد چاره مشکلات و دشواریهای هستند . پس از صرف غذا ، کار دوباره شروع میشود . کارگران ساعت ۶ تا ۷ دست از کار میکشند و اگر اضافه کاری کنند تا ساعت ۹ الی ۱۰ شب کارشاق ادامه خواهد داشت . کارگران عموماً فاقد مسکن هستند و بسته به تعداد افراد خانواده یک تا دو اتاق را در محلات کارگری با کمترین امکانات رفاهی چون آب ، برق ، بهداشت ، درمانگاه و مدرسه اجاره میکنند و همواره صاحب خانه سرمیزان اجاره ، آب ، تعداد زیاد افراد خانواده و ... کشش دارند . کارگران با متاهل اند که تا مین معیشت خانواده چند نفری خود را بعهده دارند و با مجردند که اغلب سرپرستی و تا مین گذران افراد خانواده برعهده آنان قرار دارد . روز تعطیل و مرخصی برای کارگران کمتر مفهومی دارد و ناچارند بسیاری از اوقات تعطیل رسمی را برای تامین معاش غمگین و خانواده‌شان کار کنند . کارگران فاقد تعطیلی سالانه اند و اگر کار نکنند ، زدی هم به آنان پرداخت نمیشود . کارگران از امکانات درمانی و پزشکی بی بهره اند و با توجه به کار سنگین و شاق که بسیاری عوارض مزمنی برای کارگران به بار می آورد و با توجه به اینکه همواره سوانح متعددی کارگران را تهدید میکند و کمترین ایمنی در محیط های کار کارگران وجود دارد ، حیات و هستی کارگران دستخوش حوادث و در معرض تباهی و نابودی تدریجی قرار دارد . اینچنانکه به وضعیت بیمه کارگران اشاره کنیم . تا سال ۶۱ براساس قانون کار ، کارفرمایان ۲۰٪ حق بیمه و کارگران نیز ۲۷٪ را پرداخت میکردند . سال ۶۱ ، کارفرمایان کارگاههای ۱ تا ۲۵ نفر ، از پرداخت حق بیمه معاف شدند . اما کارگران این کارگاهها همچنان بابت ۲۷٪ حق بیمه را بپردازند . با توجه به اینکه کارگران کارگاههای کوچک ، کمتر با استفاده از بیمه‌های خدمات درمانی ، حوادث و بازنشستگی آشنا هستند و ضرورت استفاده از این حق و مبارزه برای فزاینده شدن از این حقوق قانونی را که حاصل تلاش طبقه کارگر در تحمل آن به سرما به دارند است را نمی دانند . علاوه بر این پرداخت ۲۷٪ حق بیمه از جانب کارگران به نسبت دستمزد کارگران سبلی است که مینسوان آن را به زخم دیگری زد ، کارگران تمایلی به بیمه شدن ندارند . گذشته از اینها در حال حاضر شرایط فقر و فلاکت و بیکاری و وسیع و سربازگیری رژیم جمهوری اسلامی موجب شده که کارگران تمایلی نسبت ترین شرایط ، به هرگونه مسی حقوقی شان داده و به فکر تکمیل و تثبیت مسابلی نظیر بیمه نشاند . در نتیجه مجموعه مسابلی فوق ، در حد بسیار کمی از کارگران کارگاههای کوچک ، تحت پوشش بیمه قرار دارند که عملاً کارگران با سابقه و ما هرنه . بخشی از کارگران کارگاههای کوچک علیرغم پرداخت حق بیمه ، از امکانات آن استفاده نمی کنند و به تدریج با استفاده از امکاناتی که بیمه برایشان تامین میکند ، ندارند .

بخش عمده کارگران کارگاههای کوچک طی قرارداد فردی با کارفرما در کارگاهها استخدام شده اند . دستمزد متوسط کارگران ناغل در این کارگاهها معادل حداقل دستمزد تعیین شده از جانب وزارت کار است . با این وجود عموماً دستمزدها ثابت نبوده و به مهارت و سرعت کارگران در کار بستگی دارد و اختلاف سطح دستمزد در میان کارگران بسیار زیاد است که این خود عاملی برای دامن زدن رقابت و تفرقه در میان کارگران از جانب سرما به دارنداران است .

کارگران ماهرو نیمه ماهراسی کارکنترائی مزد میگیرند و دستمزد کارگران کارآموز روزانه با هفتگی پرداخت میگردد . کارگران بجز دستمزد در بافتی دیگری ندارند . کارگران عموماً در حالت عادی دو ساعت اضافه کاری دارند که هیچگونه دستمزدی در قبال این اضافه کاری به آنان پرداخت نمیشود . بسیاری از کارگران و مسالسه سربازگیری در حال حاضر موجب کاهش چشمگیر دستمزد کارگران ناغل شده است . سرما به دارنداران به بهانه های مختلف دستمزد کارگران را کاهش داده و با پرداخت آن را به تعویق می اندازند ، از جمله اینکه مواد اولیه و وسایل در ساز را موجود نیست و تا وقتی مواد اولیه در اختیار کارگاهها قرار نمی دهد ، بازار برای فروش کالا وجود ندارد مقایسه ساده ای بین مقدار دستمزد هفتگی کارگران و سود هفتگی کارفرمایان ، میزان شدت استثمار کارگران و سود حاصله سرما به - دارنداران نشان میدهد . بعنوان مثال :

درآمد هفتگی صاحبکار در کارگاههای مکانیکی حداقل ۸۰۰۰ تومان است . دستمزد هفتگی کارگر ماهرو ۶۰۰ - ۴۰۰ تومان و دستمزد هفتگی کارآموز ۱۵۰ - ۱۰۰ تومان است . معمولاً در کارگاههای مکانیکی ۴ کارگر و یک تکنیکه ۲ تن از آنان کارگر ماهرو ۴ تن دیگر کارآموزند :
متوسط دستمزد ۲ کارگر ماهرو در هفته تومان ۱۰۰۰ = ۲x۵۰۰
متوسط دستمزد ۲ کارگر کارآموز در هفته تومان ۳۰۰ = ۲x۱۵۰
(هزینه تقریبی وسایل تولید = ۱۰۰۰) درآمد کارفرما تومان ۸۰۰۰
تومان ۷۰۰۰ - ۱۰۰۰ = ۷۰۰۰
سود تومان ۵۷۰۰ - ۱۲۰۰ = ۷۰۰۰
سود بیش از ۴ برابر کل دستمزدی است که بکارگران میپردازد (شدت استثمار) = $\frac{5700}{1200}$ = درجه استثمار

درباره رشته ها ، ترکیبی از مشاغل و تخصص ها وجود دارد . از جمله در صنایع فلزی که کمد ، میز ، قفسه ، در و پنجره و کابینت آشپزخانه تولید میکنند . در این رشته ، تخصص هایی چون جوشکاری ، برشکاری و مونتاژ لازم است . سابق بر این کارفرماها برای انجام هر یک از مشاغل و تخصص ها تعدادی کارگر استخدام میکردند اما در حال حاضر با ... کارگر کمتر و آموزش آنان در رشته های برق ، از نیروی کار رهسبر کارگری برای انجام کلیه مراحل کار استفاده میکنند . در گذشته هر یک از این تخصص ها دستمزد مستقلی داشت اما اکنون دستمزد واحدی به کارگرانی که کل کارهای تخصصی را در پیرویه تولید انجام میدهند ، پرداخته میشود . به این ترتیب اختلاف دستمزد براساس تخصص و مهارت کارگران در رشته های مختلف به حین سرما به دار میبرود ، علاوه بر این صاحبکار کارگران متعددی را برای تامین تخصص های مختلف استخدام میکنند ، بلکه صاحبکار تعداد کمتری از کارگران ، همان میزان تولید را تامین میکند . علاوه بر این هماهنگی و انسجام بیشتری در جریسان تولید حاصل میشود و راندمان کار نیز بالاتر میبرود .

ساعات کار

ساعات کار در این کارگاهها بطور معمول ۱۲ ساعت است که به اضافه کاری و شبکاری گاه تا ۱۵ ساعت میرسد . به چند نمونه از ساعات کار معمول و رایج در رشته های مختلف توجه کنید : کارگران ناخواهی

مروری بر مبارزات کارگران در سال ۵۷

شهریور ۱۳۵۷

★ کارگران جیت بهسهرای خواسته های خود دست به اعتصاب زدند، کارفرمایان و وزارت کار پس از ۱۲ روز ناچار شدند تعهد کنند که ضلوع ۱۲ روز تمام خواسته های کارگران را عملی خواهند ساخت. کارگران پیروز به اعتصاب پایان داده و به سرکار بازگشتند. کارگران جیت بهسهر در این اعتصاب به ضرورت سندیکاسا و اتحاد کارخانه ها در اعتصابات از طریق سندیکا اشاره داشتند. این اعتصاب اوایل شهریور ماه صورت گرفت.

★ بدینان اعتصاب کارگران مینو که دو هزار کارگر یکپارچه افزایش حقوق را می خواستند و کارفرما قول مساعد برای عملی ساختن خواست کارگران داده بود کارگران دست از اعتصاب کشیدند. اما پس از مدتی کارفرما وعده خود عمل نکرد. این عمل باعث اعتراض کارگران بشکل پراکنده گردید.

★ ۷۰۰ کارگری پانیشگاه تهران به عنوان اعتراض به بی توجهی مسئولان به خواسته های آنان روز ۱۹ شهریور دست از کار کشیدند. آنها مطرح می کردند که خواهان اجرای ماده اول قانون کار هستند که بر اساس آن حقوق یک کارگر باید حداقلی مخارج خوراک، پوشاک و مسکن و بهداشت یک خانواده چهار نفری را تأمین کند. کارگران دو ماه پیش به دلیل آن که به خواست های شان توجه نمی شدند دست به اعتصاب غذا زدند و مدتی بعد ضعیفانه ای روز به مشولان فرصت دادند و اعلام کردند که در غیر این صورت با خانواده خود مقابل پالایشگاه مبارز خواهند زد. پس از پایان مهلت وی بی توجهی مسئولان

روز جمعه ۱۲ شهریور مسئولان از ۲۰۰ خانوادۀ متعلق به کارگران پالایشگاه مقابل پالایشگاه جادار زدند. اما روز بعد مورد هجوم سربازان قرار گرفتند و مجبور شدند جادارها را ترک کنند. در همان روز کارگران اعلام داشتند که در صورت برچیده شدن جادارها دست از کار خواهند کشید.

★ امروز ۲۳ شهریور ما میسر از ۲۲۰۰ کارگر کارخانه پارس الکتریک با اعلام اینکه خواهان افزایش دستمزد، حق مسکن، پرداخت سود ویژه قانونی و برکاری نایب شده

انتصابی سازمان نازگران هستند، دست از کار کشیدند. امروز ما اعتصاب کارگران زن نیز به اعتصابیون پیوستند. دستمزد کارگران حداقل و حداکثرین ۹۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان است. بیشترین حقوق زنان ۱۰۰۰ تومان است و کمتر از مردان کارگر حق مسکن آنها ماهی ۱۵۰ تومان است که در هیچ کجای تهران نیست و حتی آئینی با این پول تهیه کرد. کارگران اعتصابی به علت آنکه مورد حمله نظامیان قرار نگیرند در محوطه جمع نشوند بلکه همگی سر میزهای خود هستند و کار نمی کنند. بعد از چند روز کارفرمای حاضر به مذاکره شده و وعده به دادن خواست کارگران نمودند.

★ کارگران کارخانه ارج بطور یکپارچه در اعتراض به کارشانه دست به اعتصاب زدند و مطرح نمودند که در حکومت نظامی که شبها میور میور منوع است برایشان رفت و آمد به کارخانه خطرناک است. با توجه به این مسئله کارفرما به خواست کارگران جواب مثبت داده و کارگران اعتصابشان را با پیروزی به پایان رساندند.

★ سه شنبه ۲۸ شهریور کارگران ایران ناسیونال در رابطه با اعلامیه هایی که کارفرما روز پنجشنبه رابطه اجباری اضافه کار گذاشته بود، دست از کار کشیدند. کارفرما عنوان میکرد که به علت حکومت نظامی چون ساعت کار کارکنان یافته کارگران، با اضافه کاری جبران کنند. کارگران یکصد نفری زدند کارکنان مدت کار روزانه به مساوی موقوف نیست. کارفرما در مقابل اعتراض، عقب نشینی کرده و کارگران پیروز به سرکار خود بازگشتند.

مهرماه ۱۳۵۷

★ کارگران کارخانه خندان جیت سازی بهسهر که بدینان اعتصاب ۱۱ روز در شهریور ماه گذشته توانسته بودند به یگیری از خواسته های صنفی خود از جمله طبقه بندی مشاغل برسند با ریاکاری کارفرما میور میور شدند. کارفرما مشاغل را وقتی ارائه داد، کارگران دیدند که در این طرح نازلترین حقوقی در نظر گرفته شده و هیچ فرقی با گذشته نداشته است. به همین خاطر حدود ۱۸۰۰ کارگر باردیگرم دست به اعتصاب زدند و کار

فرما را مجبور ساختند تا طرح خود را تغییر دهد. کارفرما قول داد که طبق خواست آنها حرکت کنند و بدین ترتیب کارگران بعد از ۱۲ ساعت اعتصاب به سرکار خود بازگشتند.

★ روز دوشنبه ۲ مهر کارگران کارخانه سیمان تهران واقعا در اطراف شهرری برای اعتراض به شرایط دشوار کار و عدم برخورداری از حقوق صنفی دست از کار کشیدند. کارفرما به کارگران قول داد تا ۱۵ روز به خواست آنها پاسخ خواهد داد. در این جلسه خواست آنها تهیه مسکن، تأمین هزینه مسکن، اصلاح طبقه بندی مشاغل، اجرای آئین نامه و بهسهر می باشد. کارگران بعد از وعده کارفرما به سرکار خود بازگشتند و تاکید کردند که اگر به خواست آنها رسیدگی نشود دوباره دست از کار خواهند کشید.

★ از سوم مهر ۷ هزار کارگر کنت و صنعت که دست به اعتصاب زده و در محوطه شرکت اجتماع می کردند ادامه دارد. هنوز هیچ کس برای مذاکره با آنها پای پیش نگذاشته است. اعتصاب کارگران خواست های خود را در ۱۸ ماده تدوین کرده اند و تاکید کرده اند که هیچ غرضی را نخواهند پذیرفت. کارگران هم چنین تاکید کردند که اجرای ۶ خواست اولیه هیچ نیازی به زمان ندارد. این ۶ خواست عبارتند از: تغییر قائم مقام و مدیر عامل کارخانه در خوزستان و انتصاب شخص دینی غیر از میرکرمی، ۲- افزایش (حقوق) دستمزد روزانه کارگران به میزان حداقل ۷۰۰ ریال و تعمیم آن در مورد کارگرانی که دستمزد بیشتری دارند، ۳- افزایش حقوق کارمندان به میزان ۴۰ درصد بدون احتساب افزایش قانونی حقوق ماهانه، ۴- اجرای دوروز تعطیلی در هفته و تمام تعطیلات رسمی کشور با توجه به تعلقات شرکت کارون و بخش خصوصی، ۵- کاهش قیمت غذا از ۶۰ ریال به ۲۵ ریال و در صورت نبودن غذا به اندازه کافی در نظر گرفتن کت هزینه غذائی به میزان ۲۵ ریال در روز، ۶- جایگزین کردن اتوبوس به جای نفربر برای انتقال کارگران به شرکت، سایر درخواست کارگران در ۱۲ مورد دیگر ترتیب تهیه مسکن یا حوض مسکن، رعایت سختی مشاغل، حلقی ایاب و ذهاب، بازگشت ۴۰ کیلومتر

اخراجی و لغو تمام تعهدات آنها، جلوگیری از ایجاد محیط نظامی در این شرکت، تشکیل صندوق تعاون و حق خواروباربری کارکنان، تشکیل سندیکای کارگری و اتحادیه کارگران، پیاده کردن طرح طبقه بندی مشاغل و تشکیل کمیته ای برای جلوگیری از اخراج بی مورد کارکنان، تسهیل تبدیل احکام آنها، ایجاد امکانات رفاهی مثل بیمارستان، فضای سبز، مسجد، باشگاه، کودکستان، مهد کودک، مدرسه راهنمایی، پارک و شهرت های مسکونی، اخراج کارکنان غیر لازم خارجی که می توان بجای آنها از متخصصان ایرانی استفاده کرد، تصفیه آب آشامیدنی شهرکها و تبدیل آن به آب شیرین، شرکت کشت و صنعت کارون در ۱۵۰ کیلومتری شوشتر - بی بیان واقع است.

★ کارگران شرکت ماشین های راهسازی در اهواز در نخستین روز مهرماه دست به یک اعتصاب همگانی زدند. درد و میهن روز اعتصاب را کارفرما مهلت ۲۰ روزه خواست تا تمام خواست کارگران را برآورده سازد. کارگران اعلام داشتند در صورت عدم تعهد کارفرما دوباره دست به اعتصاب خواهند زد. کارگران خواهان افزایش دستمزد، حق مسکن، تجدید نظر در مرخصی سالانه و افزایش آن، تغییر بعضی از مدیران، تخفیف ساعات کار و تقیل آن، کاهش حق بیمه، بهبود کیفیت غذا و ادای سر شدن سرویس رفت و آمد شدند. همچنین خواهان برپائی جلسات ماهانه با شرکت مدیران مشول برای رسیدگی به مشکلات کاری شدند. ★ ۹ مهر روز یکشنبه میسر از ۲۵۰۰ کارگر کارخانه ارج برای دومین بار در این ماه اخیر دست از کار کشیدند. کارگران اعتصابی خواهان افزایش دستمزد، دریافت کت هزینه مسکن و برکناری مدیران کارگاه و امومالی کارخانه هستند و بهسهر آئین نامه ضد کارگری انضباطی اعتراض کردند. کارگران در شهریور ماه گذشته یک اعتصاب دو روزه کردند که با وعده های کارفرما به سرکنار بازگشتند. کارفرما در پاسخ به خواست کارگران روز ۱۰ مهر درهای کارخانه را بر روی کارگران می بندد و مانع ورود کارگران به کارخانه میسند. این عمل با خشم کارگران روبه رو و بقیه در صفحه ۶